

نقش وسایل ارتباط جمعی در گفتگوی تمدن‌ها

دکتر مسعود حاجی‌زاده میمندی

استادیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

چکیده

از آنجا که ایده گفتگوی تمدن‌ها دارای کارکردهای مثبت فراوانی برای جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست در این گفتار به برخی از مهم‌ترین عناوین این کارکردها و از جمله، ۱- پذیرش تنوع تمدن‌ها، ۲- توجه هرچه بیشتر به زمینه مشترک تمدن‌ها، ۳- افزایش شناخت هرچه بیشتر تمدن‌ها از یکدیگر، ۴- افزایش اعتماد متقابل بین تمدن‌ها، ۵- غنی‌تر شدن تمدن‌ها، ۶- افزایش آستانه تحمل و نقد تمدن‌ها، ۷- عقلانی شدن تصمیم‌گیری کشورها، ۸- تقویت صلح و ۹- برجسته‌تر شدن نقش اهل فرهنگ‌والدیشه‌پرداخته شده است. گفتگوی تمدن‌ها برای توفیق و ثمربخشی هرچه بیشتر به زمینه‌سازی‌هایی در حوزه‌های فم و ادراک، عقل و منطق، زبان و مکالمه، محیط خارجی و عملیاتی نیاز دارد. وسایل ارتباط جمعی در این زمینه‌سازی‌ها و بسته‌سازی‌ها می‌تواند دارای کارکردهای زیر باشد:

- ۱- مجرا و ابزار گفتگوی تمدن‌ها،
- ۲- عامل تقویت گفتگوی تمدن‌ها،
- ۳- نقش وسایل ارتباط جمعی در بسترسازی گفتگوی تمدن‌ها،
- ۴- جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری گفتگوی تمدن‌ها،
- ۵- کارکرد در تقویت جامعه مدنی،
- ۷- کارکرد تبلیغی،



۸- کارکرد تفریحی؛

۹- کارکرد افزایش امکان نقد توسط وسایل ارتباط جمعی و

۱۰- کارکرد افزایش همبستگی اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی.

واژه‌های کلیدی: تمدن، برخورد تمدن‌ها، گفتگوی تمدن‌ها، وسایل ارتباط جمعی، کارکرد و نقش.

مقدمه

در سال ۱۹۳۳ میلادی، ساموئل هانتینگتون، استاد مسائل استراتژیک دانشگاه هاروارد در آمریکا، در مجله «فارین افیرز» (Foreign Affairs) مقاله‌ای منتشر کرد تحت عنوان «برخورد تمدن‌ها»^(۱) که در آن مناقشه میان تمدن‌ها را مورد بحث قرار داد.^(۲) سپس در سال ۱۹۹۶، کتاب «برخورد تمدن‌ها و نوسازی نظم جهانی» را به نگارش درآورد.^(۳) البته قبل از هانتینگتون، توین بی در کتاب «تمدن در بوتۀ آزمایش» در سال ۱۹۴۷، در مقاله‌ای، آشکارا به «برخورد تمدن‌ها و جنگ تمدن‌ها» پرداخته بود.^(۴) نظریه «برخورد تمدن‌ها» تاکنون مورد تأیید و رد فراوانی واقع شده است. یکی از پاسخ‌ها به نظریه برخورد تمدن‌ها، اندیشه آقای سیدمحمد خاتمی درباره گفتگوی تمدن‌ها است که برای نخستین بار، در آذرماه ۱۳۷۶ در جریان نشست سران ۵۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در تهران برگزار شد، مطرح گردید.^(۵) همچنین آقای خاتمی در دی ماه ۱۳۷۶، در سخنرانی تلویزیونی خطاب به مردم آمریکا دوباره بر گفتگوی تمدن‌ها تأکید نمود.^(۶)

نظریه «برخورد تمدن‌ها» از هانتینگتون و اندیشه «گفتگوی تمدن‌ها» از خاتمی پاسخی است به واقعیت‌ها و بحران‌های کنونی جهان که ریشه در میراث گذشته آن دارد. این دو اندیشمند با توجه به شناخت خود از واقعیت‌های جهان دو طرح مختلف ارائه نموده‌اند. هرچند طرح برخورد تمدن‌ها از هانتینگتون، به عنوان چهره‌ای آکادمیک، بیشتر توصیفی و علمی و طرح گفتگوی تمدن‌ها از خاتمی، به عنوان چهره‌ای فرهنگی، بیشتر تجویزی و انسانی است.



با توجه به چهره انسانی اندیشه گفتگوی تمدن‌ها و نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها^(۶)، این سؤال مطرح می‌شود که اندیشه گفتگوی تمدن‌ها را چگونه می‌توان از شعاری زیبا به یک استراتژی عملیاتی تبدیل نمود؟

اگر بر این اعتقاد باشیم که «اندیشه گفتگوی تمدن‌ها» در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارای کارکردهای مثبت است و به رشد و شکوفایی هرچه بیشتر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها منجر می‌شود، برداشتن هرگام در جهت نهادینه ساختن گفتگوی تمدن‌ها خدمت به صلح، آزادی و توسعه انسانی خواهد بود.

وسایل ارتباط جمعی که در جهان ارتباطات و اطلاعات امروزی در زمینه‌های اطلاع‌رسانی، آموزش و تبلیغات و ظایف مهمی را به عهده گرفته‌اند، در عملیاتی نمودن و نهادینه ساختن اندیشه گفتگوی تمدن‌ها می‌توانند دارای نقش کلیدی باشند. در این مقاله، تأکید بر نقش وسایل ارتباط جمعی در این «فرآیند» و پیشنهاد راهکارهایی برای ارتقای این «نقش» است.

تعریف مفاهیم

عنوان این مقاله یعنی «نقش وسایل ارتباط جمعی در گفتگوی تمدن‌ها» از ۷ مفهوم کلیدی تشکیل شده است که با توجه به احتمال برداشت‌های مختلف از این مفاهیم بهتر است، قبل از هر چیز، این مفاهیم تعریف شوند.

الف: نقش (Role) گرچه نقش معمولاً در زبان فارسی معادل (Role) در زبان انگلیسی به کار می‌رود ولی در اینجا نقش مترادف وظیفه (Duty)، رسالت (Prophecy)، و کارکرد (Function) به کار رفته است. یعنی وسایل ارتباط جمعی در اجرایی نمودن و عملیاتی ساختن اندیشه گفتگوی تمدن‌ها چه نقش‌هایی می‌توانند ایفا کنند؟ چه وظایفی می‌توانند به عهده گیرند؟ چه رسالت‌هایی ایفا نمایند؟ و چه کارکردهایی داشته باشند؟

ب: وسایل ارتباط جمعی (Mass Media): به وسایلی گفته می‌شود که: ۱- مخاطبان آن وسیع و فراوان است. ۲- مخاطبان نامتجانس هستند. ۳- مخاطبان آن همدیگر را نمی‌شناسند. ۴- برای انتقال پیام به سازمانی پیچیده نیاز دارد. ۵- پیام آن ارزان به



مخاطبان می‌رسد. مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت و... از وسایل ارتباط جمعی هستند.^(۷)

پ: گفتگو (Dialogue): گفتگو یا دیالوگ روشی است برای فهم مسائل از طریق مفاهیم که دو طرف در آن شرکت دارند. به نظر می‌رسد که دیالوگ بین مکالمه (Conversation) که مردمان عادی در زندگی روزمره در آن شرکت می‌کنند و مباحثه (Discourse) که خاص گفتگوها و بحث‌های علمی است، باشد. در دیالوگ هم اندیشمندان و فرهیختگان می‌توانند شرکت کنند و هم افرادی از نهادهای جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی (N.G.O). معمولاً سقراط فیلسوف شهیر یونانی را بنیان‌گذار روش دیالوگ می‌دانند، چون وی اعتقاد داشت که حقیقت چیزی آماده و ساخته شده که یک متفکر به صورت فردی بتواند به آن دست یابد، نیست بلکه محصول تفکر دیالکتیکی عینی و اندیشه مبتنی بر جدل و همکاری مستمر افراد در مبادله سؤال جواب بین خودشان است. در دنیای معاصر، یورگن هابرماس اندیشمند مکتب انتقادی بر عقلانیت ارتباطی و کنش مبتنی بر مفاهیم تأکید می‌نماید که در راستای اندیشه گفتگو، مفاهیم و ارتباط است.^(۸)



ت: تمدن (Civilization): تمدن از ریشه لغوی مدینه مشتق شده است و در لغت به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اقتصادی، اجتماعی، دینی و سیاسی است.^(۹) در متون مردم شناختی و جامعه شناختی بیشتر به جنبه‌های عینی، ملموس و قابل اندازه‌گیری زندگی اجتماعی گفته می‌شود، مانند تکنولوژی، سازمان اقتصادی و اجتماعی جامعه؛ همچنین معادل جنبه مادی فرهنگ، یعنی زیرمجموعه فرهنگ است. اما در اینجا اصطلاح تمدن در معنای تقریباً متفاوتی به کار رفته است که اعم از فرهنگ است. تمدن، بالاترین گروه‌بندی فرهنگی مردم و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی است که انسانها از آن برخوردارند. بنابراین، بخش اعظم تاریخ را تمدن‌ها تشکیل می‌دهند. تمدن‌ها موجودیتی قابل درک دارند، پویا هستند، ظهور و سقوط می‌کنند، تقسیم می‌شوند و در وادی زمان دفن می‌گردند.^(۱۰) عناصر اصلی سازنده تمدن‌های بزرگ را مذهب، تاریخ، سنت و تجربه‌های مشترک شکل می‌دهد که در این میان تمدن‌های بزرگ اغلب با ادیان عمده جهانی شناخته شده‌اند.^(۱۱)

به نظر هانتینگتون در شرایط کنونی در جهان بین ۶ تا ۸ تمدن وجود دارد:

- ۱- تمدن غربی (اروپای غربی و آمریکا)؛ ۲- تمدن کنفوسیوسی (جنوب شرقی آسیا)؛ ۳- تمدن اسلامی (خاورمیانه و آفریقا)؛ ۴- تمدن هند و (شبه قاره هند)؛ ۵- تمدن اسلاو - ارتدکس (روسیه و اروپای شرقی)؛ ۶- تمدن ژاپنی (ژاپن)؛ ۷- تمدن آمریکای لاتین (آمریکای جنوبی) و ۸- تمدن آفریقایی (آفریقا).^(۱۳)

البته تعریف هانتینگتون از تمدن به تعریف مردم شناختی «هرسکویتس» نزدیک است:

تمدن عبارت است از مجموعه دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و سنن، تأسیسات و نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک جامعه و یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند، رایج است مثل تمدن مصر، تمدن یونان، تمدن ایران و هرکدام دارای ویژگی‌هایی است که به عوامل جغرافیایی و تاریخی و تکنیکی خاص خود بستگی دارد.^(۱۳)

ث: برخورد تمدن‌ها (The Clash of Civilizations): در جهان پس از جنگ سرد، اتحادها، فروپاشی‌ها و اختلافات به وسیله فرهنگ و هویت‌های تمدنی هستند.^(۱۴) عصر برخورد ایدئولوژی‌ها با فروپاشی شوروی سابق به پایان رسیده است. رقابت‌های اقتصادی هم با توجه به شرکت‌های چند ملیتی و سیال شدن شرایط جهانی سرمایه‌گذاری صلح جهانی را تهدید نمی‌کند. مخاصمات جهانی در قرن آینده، تضاد تمدن‌ها بویژه تضاد میان دو تمدن اسلام و غرب خواهد بود. رشد فزاینده جنبش‌های اصولگرا در شمال آفریقا، وجود اقلیت مسلمان قابل توجه در جنوب اروپا و به چالش کشیده شدن ثبات و امنیت و مجموعه تمدنی غرب، برخورد تمدن‌ها به ویژه تمدن‌های غرب و اسلام را اجتناب‌ناپذیر خواهد ساخت.^(۱۵) این برخورد در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و بویژه فرهنگی خواهد بود.

ج: گفتگوی تمدن‌ها (The Dialogue among Civilizations): تمدن به معنای کلیتی فراگیر که جامع‌تر از فرهنگ است و اجزای مختلف زندگی اجتماعی را شامل می‌شود و افراد هویت خود را با آن واحد تمدنی تعریف می‌کنند.^(۱۶) سخن این است که



چه کسانی به نمایندگی از تمدن‌ها قرار است یا یکدیگر به گفتگو بپردازند. به نظر می‌رسد که علاوه بر واحدهای سیاسی یعنی دولت و احزاب سیاسی، جامعه مدنی و بویژه روشنفکران، علما، دانشمندان، هنرمندان، سازمانها و تشکلهای غیردولتی (N.G.O) بتوانند نقش برجسته‌تری ایفا نمایند.

کارکردهای گفتگوی تمدن‌ها

در نظام اجتماعی موجود در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، روش و بینش گفتگوی تمدن‌ها چه نیازهایی را برآورده می‌سازد؟ تا چه اندازه به تقویت نظم، وفاق، تعادل، هماهنگی و اجماع در درون جوامع و در روابط بین‌المللی یاری می‌رساند؟ و تا چه اندازه این روش و بینش در راستای تحقق اهداف جوامع که همانا «توسعه انسانی» است، می‌تواند عمل کند؟

به نظر می‌رسد که بتوان کارکردهای زیر را برای نظریه گفتگوی تمدن‌ها، اگر تحقق یابد و نهادینه شود، قائل شد.

۱- پذیرش تنوع تمدن‌ها

اصلی‌ترین ویژگی گفتگو، پذیرش موجودیت طرف مقابل است. بنابراین گفتگوی تمدن‌ها باعث پذیرش سایر تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها می‌شود و پذیرش این تنوع در راستای غنای فرهنگی جهانی و کاهش شبیه‌سازی (Assimilation) ناشی از فرآیند جهان شدن (Globalization) در عرصه فرهنگ و ارتباطات است.

۲- توجه هرچه بیشتر به زمینه مشترک تمدن‌ها

از آنجا که گفتگو معمولاً برای دستیابی به تفاهم انجام می‌شود، لاجرم در این جهت جریان می‌یابد که بر زمینه‌های مشترک بین طرفین تأکید گردد و این توجه به زمینه‌های مشترک در افزایش نگرش مثبت نسبت به یکدیگر موثر است.



۳- افزایش شناخت بیشتر از یکدیگر

گفتگو باعث شفاف شدن روابط، افزایش شناخت و آگاهی نسبت به یکدیگر و کاهش سوء تفاهم‌ها، بدبینی‌ها، سوءظن‌ها و دشمنی‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود.

۴- افزایش اعتماد متقابل

انجام گفتگو و افزایش شناخت نسبت به یکدیگر، اعتماد متقابل در روابط را افزایش می‌دهد و باعث ارتقاء دوستی، مودت و همبستگی بین طرفین گفتگو می‌شود.

۵- غنی‌تر شدن تمدن‌ها

فرهنگ‌ها و تمدن‌ها معمولاً در جریان مبادله با سایر فرهنگها و تمدن‌ها به رشد و تعالی و غنای بیشتری دست می‌یابند و قوی‌تر می‌شوند. مگر نه این است که در فرآیند گفتگوی تمدن‌ها هر تمدن دستاوردهای خود را عرضه می‌کند؟ پس هر تمدن به ناچار باید به دنبال تولید محصولات با کیفیت و پویا باشد تا بتواند در این عرصه حرفی برای گفتن داشته باشد و نیز پویایی و مولد بودن یکی از رازهای نشاط، سرزندگی، بقاء و حتی سلطه تمدن‌هاست. تمدنی زنده است که بتواند مولد و پویا باشد. اخذ عناصر تمدنی در این مبادله باعث افزایش غنای تمدنی می‌شود.

۶- افزایش قدرت تحمل و نقد

گفتگوی بین تمدن‌ها باعث آگاهی هرچه بیشتر به نقاط قوت و ضعف می‌شود و آگاهی از نقاط ضعف و تلاش در جهت کاهش آن قدرت تحمل و ظرفیت پذیرش انتقاد و بازسازی را افزایش می‌دهد و افزایش تحمل در شنیدن نقاط ضعف مقدمه تلاش برای بهسازی است.

۷- عقلایی‌تر شدن تصمیم‌گیری

به دلیل ارتباط کشورها با یکدیگر و تأثیری که کشورها در سرنوشت یکدیگر دارند، کشورها در روابط خود با دیگران مجبور به تصمیم‌گیری هستند. حال هر قدر این



تصمیم‌گیری بر زمینه و بستری از گفتگو و شناخت بیشتر استوار باشد، میزان عقلانیت آن بیشتر و احتمالاً خطای آن کمتر است.

۸- کاهش هزینه‌های سرکوب و بازدارندگی

گفتگو و شفاف شدن روابط و افزایش اعتماد متقابل و دوستی باعث می‌شود که تمدن‌ها به این نتیجه برسند که به جای صرف بودجه‌های کلان در امور نظامی و امنیتی و تقویت ترس متقابل می‌توان با هزینه کردن بودجه‌های به مراتب کمتری در امور فرهنگی و پاک نمودن ذهن و ضمیر انسانها اندیشه و زمینه جنگ، تجاوز و خشونت را کاهش داد. همچنان که در اساسنامه یونسکو آمده است: از آنجا که جنگ در ضمیر انسانها به وجود می‌آید، دفاع از صلح نیز باید در ضمیر انسانها پرورش یابد... در طول تاریخ عدم درک متقابل بین مردم، همیشه منشاء شک، بدبینی و عدم تفاهم بوده و اغلب به بروز جنگ انجامیده است. (۱۷)

۹- تقویت صلح

کاهش سوء تفاهمات، بدبینی‌ها و سوءظن‌ها باعث کاهش اندیشه تجاوز و در نهایت پایدارتر شدن صلح می‌شود. در چارچوب افزایش عقلانیت که یکی از کارکردهای گفتگوی تمدنهاست، تصمیم‌گیری‌های مربوط به تداوم و تقویت صلح و رابطه مسالمت‌آمیز بیشتر امکان تحقق می‌یابد.

۱۰- برجسته شدن نقش اهل فرهنگ و اندیشه

کارگزاران گفتگوی تمدن‌ها، معمولاً اهل فرهنگ و اندیشه هستند و تحقق مستمر و نهادینه شدن گفتگوی تمدن‌ها باعث افزایش نقش‌های اجتماعی اهل فرهنگ می‌شود. توجه به سیاست و اقتصاد از منظر اهل فرهنگ احتمالاً برغنا و انسانی‌تر شدن این عرصه‌ها می‌افزاید.



شرایط توفیق گفتگوی تمدن‌ها

گفتگوی تمدن‌ها به عنوان یک سیاست، و یا استراتژی برای توفیق نیاز به زمینه‌ها و پیش شرط‌هایی دارد و هر قدر بستر و فضا سازی کافی برای این استراتژی صورت گرفته باشد، امکان موفقیت آن بیشتر است. به نظر می‌رسد که تحقق پارادایم گفتگوی تمدن‌ها مستلزم تحول در چهار حوزه است:

الف: حوزه فهم و درک

مستلزم پذیرش پلورالیسم در فهم واقعیت‌ها است و همچنین پذیرش اینکه گفتگوی تمدن‌ها تنها آلترناتیو انسانی برای تداوم رابطه تمدن‌هاست و گفتگوی تمدن‌ها نیازمند به قبول تنوع قومی، فرهنگ و تمدنی به عنوان معادلاتی با اصل جمعی جبری غیرصفر است و نیز گفتگوی تمدن‌ها انسان محور است.

ب: حوزه عقل و منطق

لازم است در گفتگوی تمدن‌ها بر خردورزی و خردباوری تأکید شود و نخبگان اندیشه و فرهنگ جایگاه مهمی در این عرصه پیدا کنند.

پ: حوزه زبان و مکالمه

احترام به عقاید دیگران، تحمل نظرات گوناگون و روانی در گفتگو و کاهش لکنت زبان در این عرصه لازم است.

ت: حوزه محیط خارجی و عملیاتی

رفع تضاد میان ملت‌ها و حکومت‌ها، فقدان نظم سلطه‌گرانه در روابط بین‌الملل، افزایش فعالیت‌ها و همکاری‌های نهادهای بین‌المللی بویژه نهادهای غیردولتی و جامعه مدنی. (۱۸)

به نظر می‌رسد که اندیشه گفتگوی تمدن‌ها برای نهادینه شدن با دو دسته موانع روبه‌روست:



۱- موانع عینی که همانا منافع سیاسی و اقتصادی است.

۲- موانع ذهنی که نگرشها، عقاید، آداب و رسوم، سنت‌ها، ایوئولوژی و... است. گفتگوی تمدن‌ها وقتی ره به جایی می‌برد و در دراز مدت ثمربخش خواهد بود که یک گفتگوی سالم، متعادل و به دور از اجبار باشد. پیش شرط گفتگو بین تمدن‌ها، پذیرش حق برابر برای طرفین گفتگو به منظور درک متقابل و پرهیز از هضم، حذف و یکسان‌انگاری است. لازم است نفس تکثر و تنوع فرهنگ‌ها، سنت‌ها، عقاید و... محترم شمرده شود.^(۱۹)

برای تحقق گفتگو لازم است فرهنگ گفتگوی برابر و به دور از سلطه پرورش داده شود. این فرهنگ به نظر می‌رسد که یک فرهنگ دموکراتیک باشد. به قول فدریکو مایور، مدیرکل سابق یونسکو، فرهنگ دموکراتیک واقعی نباید هیچ هویتی را اعم از قومی، مذهبی، زبانی یا فرهنگی نفی کند، همچنان که نباید با زیرپا گذاشتن هویت ملی، همبستگی، جمعی و آمالی مشترک همگانی رشد یابد. چنین فرهنگ دموکراتیکی فرصتی همگانی فراهم می‌آورد تا از خلال تعلقات آزادانه و کثرت‌گرایانه به خودشناسی دست یابند. از این رو دموکراسی در سطح فرهنگی همان چیزی باید باشد که در سطح سیاسی: درهم آمیختن اراده فردی با منافع عمومی.^(۲۰)



به طور خلاصه شرط اصلی توفیق گفتگوی تمدن‌ها تغییر نگرش‌ها، عقاید، اطلاعات، رفتارها و... است یعنی ایجاد بستر و زمینه درونی در انسانها که آماده مفاهمه و انجام گفتگوی آزاد و بدون اجبار باشند.

کارکردهای وسایل ارتباط جمعی در توفیق گفتگوی تمدن‌ها

گفتگوی تمدن‌ها به عنوان یک استراتژی در جهانی مطرح شده است که به دنیای اطلاعات و ارتباطات موسوم است. در این جهان، ارتباطات و اطلاعات سرنوشت حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را رقم می‌زند. مرزهای جغرافیایی کم رنگ شده و به تعبیر مارشال مک لوهان جهان به دهکده‌ای تبدیل شده است.

در این جهان، وسایل ارتباط جمعی: ۱- صنعت متحول و رو به رشد، ۲- ابزار حفظ و

کسب قدرت سیاسی، ۳- جایگاه طرح مسائل اجتماعی، ۴- ابزار توسعه فرهنگی، ۵- جایگاه گسترش ایدئولوژی‌ها، ۶- و مجرای تغییرات اجتماعی، هستند. (۲۱)

وسایل ارتباط جمعی به طور کلی دارای کارکردهای: ۱- خبری و اطلاع‌رسانی، ۲- آموزشی، ۳- تفریحی، ۴- تبلیغی، ۵- راهنمایی و هدایت، ۶- حراست از محیط، ۷- همبستگی اجتماعی، ۸- انتقال میراث اجتماعی، ۹- احساس تعلق اجتماعی، ۱۰- مراقبت و نظارت بر محیط، ۱۱- اعطای پایگاه اجتماعی و ۱۲- همگان‌سازی، (۲۲) هستند. حال با توجه به اهمیت وسایل ارتباط جمعی در تولید و انتشار اطلاعات، آموزش و یاددهی، هدایت و راهنمایی، طرح مسائل اجتماعی و مجرای تغییرات اجتماعی و فرهنگی، این وسایل در توفیق گفتگوی تمدنها چه کارکردهایی می‌تواند داشته باشد؟

۱- وسایل ارتباط جمعی به عنوان مجرا (کانال) و ابزار گفتگوی تمدنها

جوامع امروز از شهرها، کشورها، قاره‌ها و سرزمین‌های بزرگ و وسیع تشکیل شده‌اند. فرآیندهای انقلاب صنعتی، نوسازی، شهرنشینی و... گروه‌های اجتماعی وسیعی به وجود آورده که علاوه بر تعداد نسبتاً زیاد و فراوانی جمعیت، همدیگر را نمی‌شناسند و از نظر ساخت درونی نامتجانس هستند. این جمعیت‌های وسیع در معنای جامعه شناختی، توده (Mass) نام دارند. در چنین جوامع دیگر نمی‌توان از طریق شخصی و چهره به چهره ارتباط وسیع برقرار نمود. با توجه به وسعت، تنوع و عدم تجانس در حوزه‌های تمدنی و میان حوزه‌های تمدنی به احتمال زیاد هر نوع گفتگوی مؤثر از طریق وسایل ارتباط جمعی میسر است. پخش و انتشار گفتگوی تمدنها از طریق روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و اینترنت تأثیر آن را چند برابر می‌کند.

۲- کارکرد اطلاع‌رسانی وسایل ارتباط جمعی در تقویت گفتگوی تمدنها

تمدن‌ها هر اندازه از یکدیگر اطلاعات واقعی و بی‌طرفانه بیشتر داشته باشند، بهتر می‌توانند با یکدیگر گفتگو و تبادل نظر نمایند. در جهان امروز با توجه به پیچیدگی و وسعت، در اختیار داشتن اطلاعات نقش مهمی دارد. وسایل ارتباط جمعی به عنوان



یکی از ابزارهای اصلی تولید و انتشار اطلاعات در شفاف‌سازی واقعیت‌های درون حوزه‌های تمدنی و میان حوزه‌های تمدنی می‌توانند مؤثر باشند. به احتمال زیاد در اختیار داشتن اطلاعات معتبر و صحیح در کاهش سوء تفاهم‌ها و بدبینی‌ها مؤثر است.

۳- کارکرد آموزشی وسایل ارتباط جمعی در بسترسازی گفتگوی تمدن‌ها

از طریق آموزش می‌توان نگرش‌ها (Attitudes)، عقاید (Opinions)، اطلاعات (Information) و رفتارها (Behaviors) را تغییر داد. لازمه موفقیت‌آمیز بودن گفتگو و تداوم آن داشتن نگرش مثبت نسبت به یکدیگر، احترام به عقاید یکدیگر، داشتن اطلاعات واقعی از یکدیگر و سرانجام رفتارهای سنجیده و درست در مقابل یکدیگر است. وسایل ارتباط جمعی به عنوان «دانشگاه بدون دیوار» و «ابزار آموزش موازی و مداوم» می‌توانند در بسترسازی برای انجام موفقیت‌آمیز گفتگوی تمدن‌ها نقش داشته باشند.

۴- وسایل ارتباط جمعی به عنوان کارگزار جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری در گفتگوی تمدن‌ها

فرهنگ‌ها گفتگو و پای‌بندی به منطق گفتگو، در یک فرآیند درازمدت بویژه در زمان کودکی و نوجوانی که شخصیت اساسی افراد شکل می‌گیرد، لازم است آموخته شود. در کنار خانواده گروه‌های همسالان، مدرسه، گروه‌های مرجع و... وسایل ارتباط جمعی نیز در این فرآیند می‌توانند نقش داشته باشند. فرهنگ و اخلاق گفتگو لازم است به طور تدریجی برای افراد درونی شود (Internalized) و آنها به این نتیجه برسند که از طریق گفتگوی بهتر می‌توانند نقش‌های اجتماعی خود را ایفا نمایند و مورد تأیید دیگران واقع شوند. وسایل ارتباط جمعی در درونی ساختن هنجارها و ارزشهای حاکم بر گفتگو و اخذ دستاوردهای دیگران از طریق گفتگو می‌توانند مؤثر باشند.



۵- تصویرسازی و انگاره‌سازی وسایل ارتباط جمعی از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها

وسایل ارتباط جمعی در ارائه تصویر از واقعیت‌هایی که در جهان رخ می‌دهد دارای نقش و اهمیت زیادی است بنابراین با توجه به تصویرسازی مثبت، منفی و یا بی‌طرفانه از تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها ممکن است به تقویت یا تضعیف گفتگوی تمدن‌ها توسط وسایل ارتباط جمعی منجر شود. تصویری که از اعراب، فلسطینی‌ها، مسلمانان، سیاهپوستان، شرقی‌ها و بویژه ایرانی‌ها در وسایل ارتباط جمعی غرب ارائه می‌شود، می‌تواند تضعیف‌کننده گفتگوی تمدن‌ها باشد. مترادف آوردن مسلمانان، اعراب، فلسطینی‌ها و ایرانی‌ها با بنیادگرایی، خشونت، تروریسم، نقض‌کننده حقوق بشر، پناهندگی، هواپیماربایی، بمب‌گذاری، آدم‌ربایی، ورود غیر قانونی، دست داشتن در معاملات قاچاق و... می‌تواند در افزایش بدبینی، سوءظن و حتی تنفر از تمدن اسلامی مؤثر باشد و احتمال گفتگوی موفقیت‌آمیز میان تمدن اسلامی و تمدن غربی را کاهش دهد.

۶- کارکرد وسایل ارتباط جمعی در تقویت جامعه مدنی به عنوان کارگزار گفتگوی تمدن‌ها

جامعه مدنی (Civil Society) به تشکل‌های آزاد، اختیاری و داوطلبانه اطلاق می‌شود که بین شهروندان و دولت قرار دارد و از علایق و منافع اعضای خود دفاع می‌کند و از اجحاف و تعدی دولت و سایر شهروندان نسبت به اعضای خود جلوگیری می‌نماید. به نظر می‌رسد که در انجام موفقیت‌آمیز گفتگوی تمدن‌ها، نهادهای مردمی بویژه جامعه مدنی می‌تواند نقش برجسته‌ای ایفا کند. حال وسایل ارتباط جمعی که خود می‌تواند به عنوان بخشی از جامعه مدنی باشد (بخشی از مطبوعات در ایران که توسط بخش غیردولتی منتشر می‌شود جزو جامعه مدنی است). در معرفی و تقویت نهادهای جامعه مدنی از طریق معرفی این نهادها، بیان کارکردهای مثبت این نهادها در پیشرفت کشور و مطرح ساختن موانع نهادینه شدن جامعه مدنی در ایران می‌تواند مؤثر باشند. جامعه مدنی با توجه به فاصله‌ای که از دولت‌ها دارند در گفتگوی تمدن‌ها از قدرت مانور بیشتری برخوردار هستند و برخی از معذوریت‌های دولت‌ها را ندارند و احتمالاً



بیان‌کننده دیدگاه‌های اقشار وسیع‌تری از حوزه تمدنی خود هستند.

۷- کارکرد وسایل ارتباط جمعی در معرفی اهل فرهنگ و اندیشه به عنوان کارگزاران گفتگوی تمدن‌ها

گفتگوی تمدن‌ها در واقع گفتگو و تعامل میان صاحبان اندیشه‌ها و فرهنگهای مختلف است. حال هر اندازه در یک تمدن اهل اندیشه از قدر و منزلت والاتری برخوردار باشند و آن تمدن دارای اهل اندیشه قوی‌تر، وزین‌تری باشد، امکان موفقیت آن در گفتگوی تمدن‌ها بیشتر است. وسایل ارتباط جمعی با توجه به وسعت مخاطب، در اعطای پایگاه اجتماعی به اهل هنر و اندیشه می‌توانند نقش مؤثری ایفا نمایند. فرض کنیم بخشی از وسایل ارتباط جمعی یک کشور یا یک حوزه تمدنی به تقبیح، تکفیر، تفسیق و تخطئه روشنفکران، تحصیل‌کردگان، هنرمندان، دانشمندان، روحانیان، عالمان، فاضلان و... جامعه خود تحت عنوان غرب‌زده، لائیک، بی‌دین، مخالف انقلاب و نظام یا خشونت طلب، متحجر، قدرت‌طلب، مخالف جمهوریت و... بپردازد. چگونه انتظار است که از حوزه‌های تمدنی دیگر برای آراء و اندیشه‌های اندیشمندان آن جامعه اعتبار قائل شوند؟

۸- تأثیر نوع ارتباط عناصر وسایل ارتباط جمعی در گفتگوی تمدن‌ها

عناصر مهم خانواده وسایل ارتباط جمعی که فعلاً در ایران دارای مخاطبان بیشتری هستند، عبارتند از: تلویزیون، رادیو و مطبوعات. رادیو و تلویزیون در ایران زیر نظر قوای مختلف حکومت اداره می‌شوند. مطبوعات نیز بخشی توسط نهادهای حکومتی و بخشی دیگر توسط احزاب، سازمانهای سیاسی و بخش خصوصی انتشار می‌یابند. فرض کنیم مطبوعات با یکدیگر وارد یک جنگ قلمی بیمارگونه شوند و یا علیه یکدیگر به دادگاه شکایت نمایند و یا علیه یکدیگر جوسازی کنند. اگر مطبوعات، رادیو و تلویزیون یکدیگر را تخطئه و بی‌اعتبار نمایند و بین وسایل ارتباط جمعی یک کشور رابطه بیمارگونه و منطبق حذف حاکم باشد، این نوع وسایل ارتباط جمعی در تضعیف گفتگوی تمدن‌ها مؤثرند. بخشی از وسایل ارتباط جمعی در ایران به همین اندیشه



گفتگوی تمدن‌ها که از طرف آقای خاتمی مطرح شد به شکل سیاسی برخورد نمودند و در حالی که این اندیشه در سطح جهانی اعتبار یافت در سطح داخلی به مطرح نمودن آن بهای کافی ندادند و آن را جدی نگرفتند. خلاصه اگر بین عناصر و وسایل ارتباط جمعی یک کشور یا یک حوزه تمدنی رابطه اکمال متقابل (Complementarity) برقرار باشد، آن کشور یا آن حوزه تمدنی بهتر می‌تواند در گفتگوی تمدن‌ها شرکت نمایند.

۹- کارکرد تبلیغی و وسایل ارتباط جمعی در تقویت گفتگوی تمدن‌ها

در اینجا منظور از تبلیغات هم تبلیغات سیاسی است (Propaganda) و هم تبلیغات اقتصادی (Adevertising). هر اندازه وسایل ارتباط جمعی به شکل معقول و متعادل و علمی به تبلیغ دستاوردها، محصولات و کالاها، توانمندی‌ها و امکانات حوزه تمدنی خود پردازند و دیگران را از وجود آن آگاه کنند، در گفتگوی تمدن‌ها دست بالاتری خواهند داشت و به توفیق گفتگوی تمدن‌ها کمک خواهند نمود. صنعت گردشگری یکی از حوزه‌هایی است که می‌تواند به تقویت تفاهم و اندیشه گفتگوی تمدن‌ها کمک کند. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با تبلیغ امکانات، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مورد علاقه گردشگران در ترغیب آنها به سفر به جوامع یک حوزه تمدنی مؤثر باشند. بسیاری از توریست‌های غربی که به ایران سفر می‌نمایند مشاهده می‌کنند که فضای اجتماعی - فرهنگی ایران متفاوت با آن چیزی است که وسایل ارتباط جمعی غرب، عمدتاً تصویر می‌نمایند.

۱۰- کارکرد تفریحی و وسایل ارتباط جمعی و تأثیر آن در گفتگوی تمدن‌ها

افراد جامعه معمولاً بخشی از اوقات فراغت خود را به تفریح می‌پردازند. وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون و سینما با کارکردهای تفریحی خود در پرکردن اوقات فراغت شهروندان در جامعه امروز نقش مهمی به عهده گرفته‌اند. پیام گفتگوی تمدن‌ها که در واقع پیام صلح، عدالت، حقیقت، زیبایی، مدارا، حفظ محیط زیست، کمک به هم نوع و... است از طریق برنامه‌های تفریحی و وسایل ارتباط جمعی بهتر می‌تواند منتقل شود. پخش یک فیلم از سینما، پخش یک سریال از تلویزیون، پخش یک برنامه زنده



رادیویی، انتشار یک پاورقی یا یک داستان در مطبوعات در عین کارکرد تفریحی می‌تواند در زمینه‌سازی و تحقق اهداف گفتگوی تمدن‌ها مؤثر باشد.

۱۱- کارکرد افزایش امکان نقد توسط وسایل ارتباط جمعی و تأثیر آن در گفتگوی تمدن‌ها
وسایل ارتباط جمعی به عنوان وجدان بیدار جامعه و به عنوان نماینده افکار عمومی می‌تواند به نقد عملکردها و رفتارهای مسؤولین دولتی و شهروندان پردازد و در عین بیان نقاط مثبت عملکرد آنها به شکل محترمانه ولی قاطعانه و شجاعانه به بیان نقاط ضعف عملکرد آنها اقدام نماید. تداوم نقد توسط وسایل ارتباط جمعی قدرت تحمل و میزان نقدپذیری را در جامعه افزایش خواهد داد و افزایش تحمل نقد ایده‌ها، برنامه‌ها، و عملکردها در راستای بسترسازی و فضا سازی برای انجام گفتگوی تمدن‌هاست.

۱۲- کارکرد افزایش همبستگی اجتماعی و نقش آنها در گفتگوی تمدن‌ها

وسایل ارتباط جمعی با آگاه ساختن افراد جامعه به میراث مشترک تاریخی و هویت کنونی فرهنگی به افزایش همبستگی اجتماعی کمک می‌کند و با بسترسازی برای مشارکت همه گروه‌ها و اقشار اجتماعی در سرنوشت خود بر همبستگی اجتماعی در سطح ملی می‌افزاید. در گفتگوی تمدن‌ها نیز تأکید بر حفظ تنوع فرهنگی و قومی و زبانی در عین متعلق بودن به پیکره واحد ملی و ارتقاء همبستگی اجتماعی است. هر اندازه چسبندگی گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده یک جامعه بر اساس آگاهی، مشارکت و احساس مسئولیت باشد، تداوم این پیوستگی بیشتر است و گفتگوی تمدن‌ها نیز حاوی گفتگوی فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ در سطح ملی و منطقه‌ای است. بنابراین ارتقاء همبستگی اجتماعی بر اساس تنوع فرهنگی که توسط وسایل ارتباط جمعی می‌تواند حاصل شود، در راستای اهداف گفتگوی تمدن‌هاست.

۱۳- کارکرد مراقبت از محیط و تأثیر آن در گفتگوی تمدن‌ها

وسایل ارتباط جمعی به دلیل وظایف و کارکردهایی که به عهده دارند، منتظر هستند تا از وقایع و حوادث پیش آمده گزارش، رپورتاژ و خبر تهیه نمایند و مخاطبان را در



جریان رخدادها قرار دهند. بنابراین مسؤولین دولتی و شهروندان دائماً مراقبند تا طوری رفتار نمایند که سوژه به دست وسایل ارتباط جمعی ندهند بنابراین سعی می نمایند که با دیگران با احترام و تحمل رفتار نمایند. این رفتارهای احترام آمیز در درازمدت می تواند فرهنگ احترام به شخصیت افراد و گروه های اجتماعی را در جامعه تقویت نماید و احترام به فرهنگ ها، شخصیت ها و خرده فرهنگ های دیگر در راستای تقویت گفتگوی بین تمدن ها است.

۱۴- کارکرد حراست (نگهبانی) از محیط و تأثیر آن در گفتگوی تمدن ها

وظیفه نگهبان معمولاً، آن است که با سوت زدن یا آژیر کشیدن دیگران را از خطرات پیش آمده آگاه سازد. وسایل ارتباط جمعی این نقش را ایفا می نمایند که وقتی خطری زندگی اجتماعی انسانها را تهدید می نماید، زنگ خطر را برای جهانیان به صدا در آورند. امروزه تخریب محیط زیست، شکاف بین فقرا و اغنیاء، تروریسم، جرم و جنایت، بیماریهایی نظیر ایدز و اعتیاد به مواد مخدر جامعه جهانی را تهدید می کند و وسایل ارتباط جمعی در آگاه ساختن ابعاد این خطرات برای جوامع تلاش می کنند تا با همکاری در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی با این مشکلات اجتماعی مبارزه شود. هرگام در جهت همکاری مشترک برای کاهش مشکلات جهانی، گامی است در جهت تقویت گفتگوی تمدن ها و افزایش مفاهمه و رابطه آزاد، بدون اجبار و بدون سلطه در سطح جهانی.

نتیجه گیری

گفتگوی تمدن ها در شرایط کنونی پاسخی است به نظریه برخورد تمدن ها. با توجه به کارکردهای مثبت گفتگوی تمدن ها در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی هرگام در جهت عملیاتی نمودن اندیشه گفتگوی تمدن ها، گامی است در جهت اهداف متعالی انسانهایی که مایلند در یک شرایط عادلانه، صلح آمیز دموکراتیک و انسانی زندگی نمایند.

در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی اندیشه گفتگوی تمدن ها با موانع عینی و ذهنی روبروست. موانع عینی همانا منافع سیاسی و اقتصادی و موانع ذهنی مجموعه نگرشها،



عقاید، رفتارها و اطلاعات نسبت به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر است. با توجه به نقش ارزشها، ذهنیت‌ها و تصورات در تصمیم‌گیری انسانها، هر اندازه آشنایی و آگاهی از فرهنگ و تمدن‌های دیگر بیشتر شود، سوء تفاهم‌ها، سوء ظن‌ها، تنفرها، عقاید قالبی، پیش‌داوریه‌ها و... کاهش یافته و همدلی افزایش می‌یابد.

با توجه به نقش ارتباطات و اطلاعات در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی بویژه تلویزیون، رادیو، مطبوعات و اینترنت می‌توانند با بسترسازی و فراهم‌نمودن ارزشها و هنجارهای گفتگو و تلاش در جهت نهادینه نمودن و درونی ساختن اخلاق گفتگو به ارتقاء و عملیاتی نمودن استراتژی گفتگوی تمدن‌ها یاری رسانند.

اخلاق گفتگو از طریق افزایش اطلاعات، آموزش، راهنمایی، تصویرسازی بی‌طرفانه، مطرح نمودن سایر تمدن‌ها و... حاصل می‌شود و این امور از کارکردها و توانایی‌های وسایل ارتباط جمعی در دنیایی است که به دهکده جهانی معروف شده است.

پیشنهادات و راهکارهایی در جهت نهادینه شدن گفتگوی تمدن‌ها

اگر ایده و اندیشه گفتگوی تمدن‌ها که در سطح بین‌المللی تا اندازه قابل توجهی مورد اقبال واقع شده است بخواهد از صورت شعاری زیبا و ابزار دست سیاستمداران به در آید و به معنای واقعی اثربخش باشد، لازم است از همه امکانات مشروع در سطح ملی و بین‌المللی برای اجرایی نمودن و عملیاتی نمودن آن استفاده شود. با توجه به تأثیرها، اهمیت و کارکردهای وسایل ارتباط جمعی در جهان امروز، این وسایل می‌توانند براساس راهکارهای زیر، در این فرآیند مؤثر باشند.

۱- اطلاع‌رسانی فعال درباره تاریخچه، اهداف و کارکردهای اندیشه گفتگوی تمدن‌ها توسط وسایل ارتباط جمعی.

۲- اطلاع‌رسانی فعال، غنی و بی‌طرفانه از تمدن‌ها بویژه تمدن اسلامی و تمدن غرب و پرهیز از اغراق‌گویی درباره تمدن خودی و مخدوش جلوه دادن تمدن دیگران به وسیله وسایل ارتباط جمعی.

۳- تلاش برای آموزش شهروندان در جهت آشنا ساختن آنها با فرهنگ گفتگو از طریق برنامه‌های مختلف وسایل ارتباط جمعی



- ۴- برگزاری جلسه‌های گفتگو و میزگرد در وسایل ارتباط جمعی بین اندیشمندان از فرهنگ مختلف و یا جهت‌گیری‌های گوناگون.
- ۵- بزرگداشت و گرامی‌داشت کارگزاران گفتگوی تمدنی که همانا اصحاب اندیشه و هنر و رهبران و اعضای جامعه مدنی هستند، در وسایل ارتباط جمعی.
- ۶- گسترش و ترویج فرهنگ نقد و انتقادپذیری توسط وسایل ارتباط جمعی
- ۷- تبدیل شدن وسایل ارتباط جمعی به آینه جامعه یعنی منعکس کننده نظرات و علایق همه گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده جامعه.
- ۸- بیان چگونگی عملیاتی شدن اندیشه گفتگوی تمدن‌ها و نظرخواهی از صاحب‌نظران در این زمینه توسط وسایل ارتباط جمعی.
- ۹- پرداختن سیستماتیک و غیرنمایشی به اندیشه گفتگوی تمدن‌ها در برنامه‌های مختلف وسایل ارتباط جمعی.
- ۱۰- ایمان آوردن مسئولین و مدیران وسایل ارتباط جمعی به کارکردهای اندیشه گفتگوی تمدن‌ها و پرهیز از برخورد ابزاری کردن با آن.



منابع

1- Huntington, Samuel: "The Clash of Civilizations"? *Foreign Affairs*, Summer 1993, PP.23-4

به نقل از: افراسیابی، کاوه: سازمان ملل و اندیشه گفتگوی تمدن‌ها، ترجمه مریم بیژنی، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷، مرداد و شهریورماه ۱۳۸۰، ص ۸.

۲- ناکاشی، هیسائه: به سوی درک متقابل میان تمدن‌ها، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۹۱.

3- Huntington, Samuel, *The Clash of Civilizations and Remaking of World Order*, Simon and Wail, New York, 1997.

۴- مهاجرانی، عطاءالله: «چستی گفتگوی تمدن‌ها»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۳.

۵- رضانی، روح‌الله: «گفتگو: نیاز به نظریه»، ترجمه علیرضا طیب، تهران، دو ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۸-۱۶۷، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۴.

۶- همان منبع، ص ۴.

۷- حاجی‌زاده میمندی، مسعود، جامعه‌شناسی ارتباطات، جزوه درسی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

۸- الف. امیری، مجتبی، «نقش مفاهیم تمدن‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، صص ۱۴۱-۱۳۹.

ب. فدایی عراقی، غلامرضا، «بانی نظری گفتگوی تمدن‌ها از نظر اسلام و قرآن»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، صص ۵۰۴-۵۰۳.

۹- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰، ص ۱۱۳۹.

به نقل از: غفوری، محمد: «تعریف کلی گفتگوی تمدن‌ها»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۳۷.

۱۰- همان، ص ۳۷.

۱۱- خوشرو، غلامعلی، «گفتگوی تمدنی چیست؟» مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۱۰۶.

۱۲- استاد رحیمی، رضا، «جهانی شدن و گفتگوی تمدن‌ها»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها،

ص ۳۲۰.



- ۱۳- روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۴۹.
- ۱۴- خوشرو، غلامعلی، «گفتگوی تمدنی چیست؟» مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۱۰۷.
- ۱۵- زیباکلام، صادق، «از پندارگرایی تا واقعیت: بازخوانی مجدد نظریه گفتگوی تمدنی»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۴۱۰.
- ۱۶- خوشرو، غلامعلی، «گفتگوی تمدنی چیست؟»، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۱۰۶.
- ۱۷- مقدمه اساسنامه یونسکو، آخرین متن اصلاحی یونسکو، ترجمه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ص ۱۰.
- به نقل از: بزرگمهری، مجید و علی نصیری طوسی، «یونسکو و طرح گفتگوی تمدن‌ها: دریچه‌ای به سوی صلح، مجموعه مقالات چستی گفتگوی تمدن‌ها، ص ۲۶۸.
- ۱۹- مهدیزاده، سیدمحمد، «درآمدی به گفتگوی بین فرهنگیها»، فصلنامه رسانه، شماره ۳۳، بهار ۱۳۷۷، ص ۸۰.
- ۲۰- همان، ص ۸۵.
- ۲۱- حاجی‌زاده میمندی، مسعود، جامعه‌شناسی ارتباطات، ص ۲۳-۲۵.
- ۲۲- همان، ص ۲۶-۳۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی